

تحلیل تماتیک جوک‌های مبادله شده در برنامه «اتاق جوک»

خدیدجه سفیری^۱، زهرا شهرزاد^۲

چکیده

این پژوهش با تحلیل تماتیک جوک‌های مبادله شده در نرم‌افزار تلفن همراه «اتاق جوک»، در پی فهم آن است که چه مقولاتی با وساطت جوک‌ها میان مخاطبان و تولیدکنندگان جوک مبادله می‌شود و هر یک از رویکردهای کلان جامعه‌شناختی از چه منظری به تحلیل جوک‌ها و به‌طور کلی محتوای طنز می‌پردازند. به این منظور پس از معرفی رویکردهای کلان مواجهه جامعه‌شناختی با طنز، بیش از ۵۰۰ جوک ارسال شده از یک مقطع زمانی تا رسیدن به مرحله اشباع ثبت و جهت استخراج تم‌های اصلی کدگذاری و مقوله‌بندی گردید تا تصویری کلان از وضعیت مفهومی جوک‌ها بدست آید. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد جوک‌ها بواسطه نفوذ آسان‌تر در فرهنگ عامه توانسته‌اند در زمینه‌های مذهبی، به‌چالش کشیدن قدرت خرد و کلان، نقد رفتارها و خلیقات اجتماعی، بیان اعتراضات اجتماعی و ... اعلام موضع کنند. همچنین کنزکارکردهایی نظیر رواج خیانت، طردهای جنسیتی و قومیتی، تلقین شرایط آنومیک، تحسین عادات غلط اخلاقی و ... در محتوای تم‌های مبادله شده قابل شناسایی بود.

واژه‌های کلیدی

جامعه‌شناسی طنز، جوک، نرم‌افزارهای موبایلی، جنسیت، قومیت، مذهب

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۲/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۷/۱۸

m_safiri@yahoo.com

۱. استاد دانشکده علوم اقتصادی اجتماعی دانشگاه الزهراء(س)

shahrzad@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری بررسی مسائل اجتماعی، دانشگاه الزهراء(س)، گروه جامعه‌شناسی (نویسنده مسئول)

مقدمه

طنز و حواشی آن را باید یکی از موضوعات مشترک در رشته‌های علمی متفاوت قلمداد کرد. بررسی ریخت‌شناسی اعصاب در هنگام خنده و تأثیر خنده بر سلامت (Martin, 2004:5)، توجه به آثار روان‌شناختی و تفاوت‌های شخصیتی در مواجهه با طنز (Hofmann, 2005:8)، بررسی اسلوب زبانی متن طنز (Goldstein, 1990:33)، زمینه‌ها و کارکردهای اجتماعی طنزگویی (LaMarre, 2013:13)، طنز به مثابه یک ژانر ادبی (طالبیان، ۱۳۸۸: ۱۵)، رویکردهای فلسفی به طنز و خنده (Morreall, 1986:55)، حتی تأثیر طنز در بازاریابی (Beard, 2005:57) و... همگی نشان از دست به دست شدن مسئله طنز و خندیدن در رشته‌ها و حوزه‌های مختلف علمی داشته است. کوپرز (۲۰۰۸) معتقد است مطالعات اجتماعی نیز با قدری تاخیر ابتدا از خلال مطالعات فولکلوریک در دهه ۱۹۷۰ به طنز توجه کرده و درباره آن بررسی جامعه‌شناسانه اجرا کرده است (Kuipers, 2008:355). گرچه پیش از آن در طول قرن بیستم در دوره چرخش علوم اجتماعی از دل مشغولی‌های کلان، به سوی سطح خرد جامعه‌شناسی و زندگی روزمره توجهاتی به طنز قابل مشاهده است (Zijderfeld, 1995:47)، اما در واقع این مواجهه با نوع مواجهه‌ای که در اواخر قرن بیستم با طنز می‌شد از وجهی متفاوت بود. در برهه اول طنز نبود که به آن توجه می‌شد، بلکه در حقیقت احساس مسئولیت جامعه‌شناسان درباره توجه به مشکلات و مسائل اجتماعی موجب توجه به طنز در کنار بسیاری از مسائل دیگر بود. به طنز از آن حیث که به یک مسئله اجتماعی مبدل می‌شد توجه می‌شد؛ یعنی زمانی که با مسائلی نظیر قومیت و نژاد، تضاد سیاسی، مقاومت اجتماعی یا نابرابری جنسیتی سر و کار داشت (Kuipers, 2008:361)، حال آن که در برهه دوم خود طنز محوریت مستقل می‌یافت.

در مجموع، اکثر متونی که از سوی جامعه‌شناسان به بررسی مسئله طنز می‌پردازند با این مطلع آغاز می‌گردد که جامعه‌شناسی در بررسی طنز و متعلقات آن تاخیر داشته است. هر یک از این متون دلایل و اقتضائاتی برای این تأخیر می‌شمرند و این تاخیر را موجه یا ناموجه قلمداد می‌کنند. اما فارغ از این قضاوت‌ها، به نظر می‌رسد اتفاق ویژه‌تری در عالم طنز در دهه اخیر در حال وقوع است که جامعه‌شناسی این بار نباید از عطف توجه به آن غافل بماند. اتفاقی در جهان و به تبع آن با قدری تاخیر در ایران، که شاید بتوان با عنوان «زندگی مجازی» یا «اجتماع مجازی» یا حتی «ملیت مجازی» از آن یاد کرد و این بار در ترکیب با طنز، گونه جدیدی از رفتار

تحلیل تماتیک جوک‌های مبادله شده ... ۸۲...

طنزگویی را قابل مشاهده کرده‌است. در حقیقت طنز مجازی و مجموعه‌ی خصائص آن این بار تبدیل به یکی از موضوعات به‌روز و مهم جامعه‌شناسی طنز شده و ابعاد جدیدی از آن در حال بررسی و انکشاف است. ابعادی که همگی توجیه‌کننده‌ی ضرورت تمرکزهای علمی و پژوهشی به طنز در رشته‌های مختلف و همچنین در این مقاله هستند چراکه برندگی مسئله‌ی طنز و ضرورت رصد مضامین منتقل شده در قالب طنز را در حوزه‌های مختلف نظیر اثرگذاری‌های سیاسی آن، نسبت‌اش با قدرت، و.. نشان می‌دهند.

برای مثال شیفمن و همکاران در مقاله «شوخی‌های آنلاین در انتخابات عمومی سال ۲۰۰۵ انگلستان» به بررسی نقش طنزهای آنلاین در پیروزی کمپین‌های انتخاباتی پرداخته و حاصل پژوهش آنها شناسایی تاثیر پارادوکسیکال طنز بر افزایش انگیزه‌ی مشارکت سیاسی از یک سو و به‌سخره‌گرفتن و مبتذل کردن سیاست و سیاستمداران از سوی دیگر است (Shifman, 2007: 470). همچنین در پژوهشی دیگری، با عنوان «فرهنگ عمومی و جوک‌های مصیبتی» رابطه‌ی میان شکل‌گیری جوک‌های آنلاین مرتبط با فاجعه - که برای نخستین بار پس از ۱۱ سپتامبر چرخه‌ی آن در فضای مجازی به‌راه افتاد - با فرهنگ رسانه‌ای حاکم بررسی شده است (Kuipers, 2002: 453). یا پژوهشی دیگر با عنوان «تحلیل جنسیت در طنزهای اینترنتی جنسیتی»، با تحلیل ۱۵۰ جوک زبانی یا تصویری بسیار دیده شده درباره‌ی جنسیت، از ۸ وبسایت اینترنتی صورت گرفته و در آن بررسی شده است که به چه میزان این طنزها در بردارنده‌ی کدهای مربوط به ایده‌های جنسی، فمینیستی و پست‌فمینیستی است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد کلیشه‌های سنتی جنسیتی کماکان در جوک‌ها استمرار یافته ولی شاهد ظهور تصویر پست فمینیستی در کنار آن هستیم که می‌تواند روزنه‌ی امیدی برای رشد برابری جنسیتی از طریق جوک‌های اینترنتی فراهم آورد (Abedinifard, 2015: 35). یا در پژوهشی دیگر با موضوع «تحلیل گفتمان بلاغی جوک‌های آنلاین ضداسلامی و ضدمسلمان» که حاصل آن در مقاله‌ای در سال ۲۰۱۳ به چاپ رسیده است، توان ویرانگر جوک‌ها در حمایت از نژادپرستی از طریق استعاره و سایر صور بلاغی بررسی شده و رابطه‌ی طنز و نژادپرستی شدید از طریق بررسی جوک‌های ضدسامی و ضداسلامی عیان گردیده است. همچنین نشان داده شده که چگونه جوک‌های آنلاین موجب ادغام یا طرد اجتماعی می‌شوند و نسبت این جوک‌ها با گرایش‌های راست افراطی چیست (Weaver, 2013: 490).

منابع داخلی نیز از بررسی محتویات طنز، غافل نبوده‌اند. برای مثال فرقانی و عبدی در پژوهشی با هدف بررسی چگونگی بازنمایی زنان در جوک‌ها، با استفاده از روش تحلیل گفتمان به بررسی جوک‌های جنسیتی پرداخته و نشان می‌دهند که جوک‌ها متأثر از بازنمایی‌های کلیشه‌ای، سنتی، مردسالارانه و تا حدودی کلیشه‌های رسانه‌ای درباره زنان است. البته درباره دختران تاثیر عمده از کلیشه‌های رسانه‌ای اخذ می‌شود و به‌طور کلی جوک‌های جنسیتی در نهایت منجر به تقویت گفتمان مردسالاری می‌گردد (فرقانی، ۲۰۱۶: ۳۱).

همچنین پژوهش دیگری ذیل حوزه طنز این بار به موضوع علل رجوع به تئاترهای عامه‌پسند و طنز در سطح شهر تهران پرداخته است و دلایل و انگیزه‌های حضور افراد را در تئاترهای برگزار شده در شهر تهران از طریق مردم‌نگاری و با رویکردی کیفی بررسی کرده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که پنج مولفه همراهی با اطرافیان، آرامش، سرگرمی، تقابل با فرهنگ رسمی و بهره‌مندی تخصصی از دلایل اصلی مصرف این محصولات فرهنگی بوده است (همایون، یوسفی و امینی هرندی، ۲۰۱۶: ۸۳).

اما توجه اصلی این مقاله بر روی طنزهای مجازی است. طنزهای آنلاین یا مجازی بدون هیچ تماس مستقیمی میان منبع، واسطه و هدف، تولید، توزیع و مصرف می‌شود. جوک یا عبارت خنده‌آوری توسط فردی در جایی درج می‌شود و توسط افرادی در سایر نقاط، مطالعه و بازبینی و قضاوت می‌شود. هیچ اصالتی وجود ندارد و تنها خط‌کش قضاوت درباره یک جوک - به‌ویژه در نرم‌افزارها - تعداد «لایک‌های» آن است.

در حقیقت اگر در طول تاریخ کاراکترهایی مسئولیت شوخی کردن و خندانان را با تفاوت‌هایی در کارکرد و محدوده مجاز شوخی بر عهده داشته‌اند، - دلک‌ها، تلخک‌ها، ملیجک‌ها، کم‌دین‌ها، شومن‌ها، ابله‌ها و... - (Fine, 1983: 287) زندگی مجازی این کار را به بی‌تشخص‌ترین و عمومی‌ترین وضعیت خویش رسانده تا جایی که در آن، جوک‌ها توسط افراد به سمت سایرین پرتاب می‌شوند: نه مقصود و مخاطب، نه فضای گوینده، نه فضای دریافت‌کننده، هیچ‌یک به‌طور شفاف مشخص نیست. تنها وجوه ثابتی که می‌توان در این میان یافت گاهی قالب‌هایی است که برای جوک‌گویی و جهت‌دادن به آن هر از چندی شایع می‌شوند (قالب‌هایی نظیر: به یکی گفتن با فلان کلمه جمله بساز در جوک‌های قدیمی‌تر، یا پ ن پ، فک و فامیله داریم، فانتزی ام اینه که... و در جوک‌های جدیدتر).

تحلیل تماتیک جوک‌های مبادله شده ... ۸۵...

در هر حال، جامعه‌شناسان در تحلیل این جوک‌ها با انباشتی روزآمد از عکس‌العمل‌های افراد به زندگی روزمره با تمام ابعاد آن مواجه هستند. داده‌هایی که تحلیل آنها می‌تواند حتی برای تغییرات فرهنگی، سیاسی و روندهای اجتماعی را پیش از تبدیل شدن به واقعیت‌های اجتماعی به ما نشان دهد یا حتی از جابه‌جا شدن مرزهای در ظاهر محکم اجتماعی و قواعد حاکم بر آن خبر دهد. همان‌طور که در زبان فارسی این معنا با این اصطلاح ذکر شده که: «شوخی، شوخی جدی می‌شود!»

از این‌رو، در این مقاله به تحلیل تماتیک محتوای یکی از نرم‌افزارهای جوک خواهیم پرداخت. از میان مجموعه فضاهای مجازی که جوک‌ها در آنها ایجاد می‌شوند و به چرخش درمی‌آیند نرم‌افزارهای موبایل شرایط ویژه‌تری دارند. نرم‌افزارهای موبایل روزبه‌روز بین مردم جهان بیشتر طرفدار پیدا می‌کنند و کاربران بیشتری را جذب خود می‌کنند. بخش اعظمی از کاربری گوشی‌های هوشمند امروزی را نرم‌افزارها تشکیل می‌دهند، به‌طوری که پیش‌بینی می‌شود تعداد نرم‌افزارهای دانلود شده توسط کاربران تا پایان سال ۲۰۱۵ میلادی به ۱۷۹ میلیارد نسخه برسد. این پیشرفت به قدری سریع است که پیش‌بینی شده در سال ۲۰۱۷ به ۲۷۰ میلیارد نسخه برسد. از مجموع نرم‌افزارها با کاربری‌های مختلف، نرم‌افزارهای سرگرمی (با تفکیک از نرم‌افزارهای بازی) بر اساس آمار موجود در سال ۲۰۱۴ در ایالات متحده، پس از پیام‌رسان‌ها و بازی‌ها و نرم‌افزارهای مرتبط با تجارت، در رتبه چهارم - با ۷/۸ درصد از کل آمار دانلود - هستند و سهم بالایی را از مخاطبان گوشی‌های هوشمند نصیب خود کرده‌اند (Adam و Lipsman, 2014) از این‌رو این پژوهش در پی آن خواهد بود که با بررسی یکی از نرم‌افزارهای جوک پربازدید موجود دریابد چه مقولاتی در طنزها مورد اشاره واقع می‌شوند و این مقولات چگونه قابل تفسیر هستند. باید توجه داشت که اغلب پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه با مقوله‌ای پیشینی نظیر جنسیت، قومیت و... به جوک‌های تولید شده حول آن مفهوم می‌پردازند، در حالی که این ضرورت حس می‌شود که پژوهش‌هایی به نحو اکتشافی و بدون پیش‌فرض‌های مفهومی اصل محتوای موجود در جوک‌ها را طبقه‌بندی و تفسیر کند. چنین رویکردی که رویکرد این پژوهش نیز هست، این مزیت را دارد که بدون پیش‌فرض، کل فضای مفهومی مبادله شده در میان جوک‌ها و نسبت آنها با یکدیگر را تصویر می‌کند. برای مثال معین می‌کند که چه نسبتی میان جوک‌های با موضوع خانواده، و جوک‌های جنسیتی قابل شناسایی است. بنابراین، این پژوهش با اتخاذ رویکردی کیفی و اکتشافی سعی در ارائه این تصویر کلی و تفسیر این نسبت‌ها خواهد داشت.

چارچوب مفهومی

با انباشت مطالعات جامعه‌شناختی در زمینه طنز، به تدریج سنت‌های مختلفی در تحقیقات جامعه‌شناسانه بر موضوع طنز شکل گرفت. بررسی رابطه بین طنز و نقش‌های اجتماعی، ماهیت روابط شوخی، زمینه‌های ساخت طنز، رویکردهای قوم‌شناسانه در بررسی مکالمات و متون طنز، طنز و فرهنگ گروهی، نظریه گروه مرجع، رابطه طنز با گروه‌های قومیتی، و رابطه طنز با کنترل اجتماعی از مواردی است که در اواخر قرن بیستم در بازخوانی مطالعات طنز در نظر گرفته شده و از یکدیگر بازشناسانده شده است (ر. ک به Fine, 1983). این انواع مواجهه با طنز را با یک بازخوانی می‌توان ذیل سنت‌های کلان جامعه‌شناسی قرار داد و هر یک را منشعب از گرایش‌های کلان نظری پژوهشگر در جامعه‌شناسی دانست. بدین ترتیب پنج منظر نظری کلان یعنی کارکردگرایان، تضادی‌ها، اصحاب کنش متقابل نمادین، پدیدارشناسان و طرفداران مطالعات تاریخی - تطبیقی هر یک در حوزه مطالعات طنز نیز افق‌ها و توجهات نظری متناسب با رویکرد کلان‌شان را گشوده‌اند. با توجه به اینکه اغلب مطالعات داخلی درباره طنز، ذیل نظریات و مفاهیم ارتباطاتی صورت می‌گیرد، مروری گذرا بر کارآمدی ابزارهای نظری جامعه‌شناختی در مطالعات طنز می‌تواند به گسترش مطالعات جامعه‌شناختی‌تر در این زمینه کمک رساند، که به صورت گذرا در این بخش به آن خواهیم پرداخت.

کارکردگرایی

به محتوای طنز می‌توان با تحلیل کارکردی آن توجه نمود: به این دلیل که در رویکردهای کارکردگرایانه معمولاً محوریت اصلی توجه معطوف به نظم اجتماعی است، طبعاً چنین مدخلی خدمتی که طنز در راستای حفظ تعادل و نظم اجتماعی ارائه می‌دهد را برجسته می‌کند. کارکردگرایان، طنز را غالباً در کاهش فشار ذاتی در برخی روابط موثر دانسته‌اند مثلاً در مکان‌هایی که به دلیل تضاد ساختاری روابط افراد مستعد تنش می‌شود (رادکلیف بروون به نقل از Kuipers, 2008:383). در واقع طنز در برخی موقعیت‌ها کارکرد سوپاپ اطمینان را دارد که می‌تواند با تخلیه فشارهای اجتماعی مانع منفجرشدن یک سیستم شود و حتی نقش مدیریت بحران را به عهده گیرد. یکی از نمونه‌های چنین رویکردی به طنز، رویکردی است که سالیوان در پژوهشی که درباره نقش شوخی کردن معلم در برقراری تعادل بین حفظ ایمنی و بازی

تحلیل تماتیک جوک‌های مبادله شده ... ۸۷...

شاگردان در ساعات بازی اجرا کرده‌است به آن اشاره کرده‌است (Sullivan, 2014:24). کارکرد دیگری که می‌توان برای طنز برشمرد «کنترل اجتماعی» است. به این دلیل که خندیدن به امری، می‌تواند ریشه در ناهنجاری بودن آن امر داشته باشد؛ تمسخر سرپیچی از نظم اجتماعی، خود دربردارنده گونه‌ای از اصلاح و کنترل اجتماعی است. طنز هم‌چنین می‌تواند با برجسته کردن هویت گروهی و درونی به انسجام گروهی و اجتماعی منجر شود. در واقع خندیدن و خندانیدن دعوتی است از طرف مقابل که فاصله اجتماعی را کم کند و این دعوت توسط عمل بیرونی خنده اجابت می‌شود. طبیعتاً این انسجام روی دیگری نیز دارد که آن طرد کسانی است که متوجه جوک‌ها نمی‌شوند یا بدتر، کسانی که جوک‌ها درباره آنها گفته می‌شود. در نهایت می‌توان سه کارکرد تسکین‌بخشی، کنترل اجتماعی و انسجام اجتماعی را برای طنز و جوک‌گویی برشمرد و آنها را در محوریت اصلی کارکردهای طنز دانست. هرچند چنان که در نقد کارکردگرایی نیز مطرح می‌شود نادیده گرفتن کژکارکردهای طنز، انتقادی است که به این رویه وارد است. در واقع کارکردهای طنز منحصر در سه کارکرد بالا نیست، بلکه تضاد، تحریک به مقاومت، توهین و بی‌احترامی استهزاء و هجو دیگران نیز از کارکردها و در بیان دقیق‌تر کژکارکردهای طنز است (Kuipers, 2008:386).

رویکرد تضادی

رویکرد تضادی، تحلیل طنز را در خدمت توضیح کشمکش و ستیز اجتماعی قرار می‌دهد. این رویکرد بیشتر معطوف به تحلیل جوک‌های قومیتی، جنسیتی و سیاسی است. جایگاه دادن به طنز برای ایجاد تغییرات اجتماعی و سیاسی و اعمال فشار موضوع بسیاری از مقالات بوده است. به طور مثال در پژوهشی نویسنده با اعلان اینکه گسترش ارتباطات مجازی منجر به افزایش گونه‌های مختلف طنز سیاسی و کاهش هژمونی دولت در کشور سنگاپور شده یکی از موارد موفقیت‌آمیز ایجاد تغییر از طریق طنز سیاسی را که مرتبط با کندی توسعه و تکمیل قطارهای درون شهری (MRT) شده مطالعه می‌کند (Chen, 2013:60). یا در پژوهشی دیگر (James, 2015:37) نویسنده به طنز سیاسی پس از ۱۱ سپتامبر می‌پردازد و سعی دارد از طریق بررسی تأثیر یک نمایش تلویزیونی و برخی کمیک استریپ‌ها، به دست آورد که چه نوع آگاهی سیاسی از طریق طنز موجود در این برنامه‌ها ساخته می‌شود. به قومیت و جوک‌های قومیتی نیز از وجوه مختلف توجه شده است. به جوک‌های قومیتی و

نژادی به دلیل خاصیت محرک و اختلاف‌افکنی که دارند عمدتاً به‌عنوان نوعی از خشونت توجه شده است. جوک‌های قومیتی گاهی در خدمت برتری‌طلبی‌ها و رقابت‌های قومی و نژادی درمی‌آید و موجب حفظ رویه فرهنگ گروه حاکم می‌شود (Schutz, 1989:64). برای مثال در پژوهشی در سال ۲۰۰۵ مطالعه‌ای موردی بر روی جوک‌هایی صورت گرفته‌است که توسط ساکنان فلسطین اشغالی - که از اروپای شرقی پیش از یهودیان آلمانی مهاجرت کرده‌اند - درباره مهاجران آلمانی نومهاجر خلق شده است. در یک طبقه‌بندی این مجموعه جوک‌ها به جوک‌هایی که سخت‌گیری را هجو می‌کنند، جوک‌هایی که تفاوت در اقتدار را به نحو اغراق شده بازنمایی می‌کنند و آنهایی که سختی در استفاده از زبان و بیگانگی از جامعه جدید را به رخ می‌کشند طبقه‌بندی شده است. به گفته پژوهشگران، جوک‌ها دارای پیامی دوگانه‌اند، بدین معنا که هرچند یک روی سکه آنها خوش آمدگویی به مهاجران از پایگاه یک ملت مساوات‌گراست، روی دیگرشان جلب توجه به سکنه پرسابقه‌تر و لزوم رعایت هنجارهای آنهاست (Katz و Shifman, 2005:469). رویکرد تضادی به طنز عمدتاً با این انتقاد روبه‌رو بوده است که ابهام زبانی موجود در جوک‌ها را در نظر نمی‌گیرد (Schutz, 1989:66)، همچنین برخی معتقدند این تحلیل‌ها نشان نمی‌دهد که چرا در برخی از موقعیت‌ها افراد ترجیح می‌دهند به جای استفاده از خشونت از طنز استفاده کنند (Kuipers, 2008:388).

پدیدارشناسی

سومین رویکرد جامعه‌شناسانه‌ای که برای تحلیل طنز می‌توان اتخاذ کرد، رویکرد پدیدارشناسانه است. در این رویکرد به طنز به عنوان گونه‌ای از درک و ساخت جهان توجه می‌شود. در حقیقت می‌توان گفت رویکرد طنز یکی از رویکردهای ممکن در ساخت واقعیت است؛ چیزی که می‌توان چشم‌انداز طنزآلود به جهان یا خندیدن به جهان نامید. علاوه‌بر این، ظرفیت طنز در نشان دادن ساختار پنهان واقعیت در این رویکرد برجسته می‌شود. در حقیقت، طنز با به تعلیق درآوردن قواعد منطقی، علم، نزاکت و فهم عمومی به افراد امکان می‌دهد که درباره تجربیات ناخودآگاه فراوانی که زندگی اجتماعی را می‌سازد گفت‌وگو کنند و معانی و پیام‌هایی را به اشتراک بگذارند که نظیر بخش اعظم زندگی روزمره مبهم و چندپهلوی است. یکی از موارد چنین رویکردی به طنز، مطالعه‌ای است که به تازگی فواید طرح دلچک درمانی را بررسی

تحلیل تماتیک جوک‌های مبادله شده ... ۸۹۰۰۰

کرده‌است. در این مطالعه تلاش شده با اتخاذ رویکردی پدیدارشناسانه در مصاحبه‌های کیفی با کودکانی که در یک بیمارستان دریافت‌کننده این گونه از طنز توسط دلک‌های بیمارستانی بوده‌اند اثر این مواجهه طنز آلود با واقعیت بیماری بررسی شود (Tan, 2014:7, Metsälä, و Hannula).

کنش متقابل نمادین

رویکرد چهارمی که در تحلیل طنز می‌توان اتخاذ کرد، مواجهه با طنز است از آن جهت که در ساخت معنا و روابط اجتماعی نقش بازی می‌کند. کنش متقابل نمادین بیشتر از این منظر به طنز توجه می‌کند. در این رویکرد واقعیت اجتماعی امری ثابت و ازپیش موجود نیست بلکه واقعیت اجتماعی در روابط و گفت‌وگوها ساخته و پرداخته می‌شود. اهمیتی که طنز در روابط اجتماعی دارد، جهت‌دهی‌ای که افراد و روابط متأثر از طنز پیدا می‌کنند، چرخشی که از یک گفت‌وگو جدی به گفت‌وگوی شوخی طراحی می‌شود و... همگی مورد توجه این رویکرد است. درواقع کنش متقابل بیشتر طنز را در اطلاعات جزئی قوم‌گرایانه یا گفت‌وگوهای بسیار جزئی دنبال می‌کند؛ نظیر جایی که افراد در گفت‌وگوها از طنز به عنوان شگردی برای کسب اطلاع، نمایش دانسته‌ها، شکستن تابوها، بیان نارضایتی‌ها یا ایجاد انسجام درون‌گروهی از طریق فهم یک موضوع خنده‌دار مشترک استفاده می‌کنند. این رهیافت به خنده، به عنوان گونه‌ای از مرآوده - و نه فقط عکس‌العملی خودکار به طنز - توجه و محوریت می‌دهد (کافمن به نقل از Kuipers, 2008:406). نظیر همه رویکردها ایرادات و نارسایی‌هایی نیز به این رویکرد وارد است که از آن جمله می‌توان به بیش از حد جزئی‌بودن و توصیفی‌بودن آن اشاره کرد. کوپرز معتقد است این سنت در مطالعات جامعه‌شناسی طنز پس از ۱۹۸۰ بیشتر در قالب سنت پدیدارشناختی و جامعه‌شناسی احساسات پیگیری شده‌است. او همچنین در مقاله‌ای با عنوان *ساخت اجتماعی خطرهای دیجیتال*، به بررسی عکس‌العمل‌ها به دو گونه از سرگرمی‌های دیجیتال خطرناک، شوخی‌های قومی و پورنوگرافی‌های آنلاین در هلند و ایالات متحده پرداخته است. بر اساس این تحقیق برخلاف امریکا که در نسبت با پورنوگرافی‌های آنلاین نوعی از هراس اخلاقی را تجربه می‌کند، بیشتر کاربران اینترنتی هلندی آن‌را قابل مدیریت ارزیابی کرده‌اند. در حالی که در مورد شوخی‌های قومی این ماجرا برعکس است. نویسنده متذکر می‌شود که این نتایج علاوه‌بر نشان‌دادن تاثیر فرهنگ‌های ملی در محیط فرافرهنگی مجازی، اهمیت سازوکارهایی که در

ساخت اجتماعی خطرات آنلاین دخیل می‌شوند را برجسته می‌کند. سازوکارهایی که نشان می‌دهد این نگرانی‌ها می‌تواند خنثی و عادی‌سازی شود یا متورم و بدل به هراس اخلاقی گردد (Kuipers, 2006:423).

تاریخی - تطبیقی

آخرین رویکردی که می‌توان در تحلیل طنز از آن بهره‌مند شد؛ رویکرد تاریخی - تطبیقی است. این رویکرد در پی آن است که امور ثابت در جوک‌ها و موضوعات طنزآلود را در طول تاریخ در مکان‌ها و زمان‌های مختلف ارزیابی کند. این کار، گاه از طریق پی‌گرفتن یک مضمون واحد و یافتن خط تطوری آن در ادبیات طنز دوره‌های زمانی یا مکانی مختلف صورت می‌گیرد و گاه در پی یافتن آن موضوع مشترکی است که همواره موضوع طنز، تمسخر، هجو یا هزل بوده است: موضوعاتی از قبیل شوخی‌های جنسی، روابط جنسیتی، عملکردهای بدنی، خنگ بازی‌ها و رفتار غریبه‌ها. نوع دیگر برخورد این رویکرد با طنز، تلاش برای یافتن تکنیک‌هایی است که برای طنزگویی در ادوار و مکان‌های مختلف به کار می‌رفته است. تکنیک‌هایی نظیر واژگونی، بازی با لغات، تقلید کردن، نمایش‌های خنده‌دار نظیر روحوسی‌ها یا پارودی‌ها، مراسم‌های مرتبط با طنز، و... این رویکرد همچنین روندهای پویایی یا ایستایی خاص جوک‌ها را در زمان‌ها و مکان‌های مختلف تحلیل می‌کند و علاوه بر یافتن مشابهت‌ها در میان طنزهای دوره‌ها و مکان‌های مختلف به برجسته کردن تمایزات و خصوصیات منحصر به فرد طنز و طنزگویی در هر مقطع زمانی و مکانی می‌پردازد. نمونه‌ای از این رویکرد را می‌توان در کار مارگارت استتزر یافت. او در مقاله‌ای با عنوان «آن سوی اقیانوس اطلس و طنز زنانه در اواخر قرن نوزدهم امریکا» با به چالش کشیدن تصویر مردانه‌ای که اغلب در مورد محتوای طنز در این دوره وجود دارد به نقش طنز زنانه و نقش زنان در سنت طنز این برهه می‌پردازد و برخی طنزپردازان زن این برهه و روش طنزپردازی منحصر به فرد آنها را معرفی می‌کند (Stetz, 2015:15). نمونه‌ای دیگر از این مواجهه با طنز را می‌توان در کتاب تاریخ طنز در ادبیات فارسی دید که در آن پیوستگی تاریخی مضامین شوخی و طنزگویی در طول تاریخ توجه و بررسی شده است و از آن جمله می‌توان به محوریت بی‌وقفه شوخی درباره زنان یا درباره مکر زنانه اشاره کرد (جوادی به نقل از جعفری، ۱۳۸۵: ۶۹).

پس از مروری بر مدخل‌های مختلف برای مواجهه با محتوای طنز و مفاهیم برجسته‌ای که

تحلیل تماتیک جوک‌های مبادله شده ... ۹۱۰۰

در سایه هریک از رویکردهای نظری کلان در مطالعه طنز برجسته می‌گردد؛ جوک‌های به اشتراک گذاشته شده در نرم‌افزار اتاق جوک، برای نمونه‌ای از طنزگویی معاصر و در گردش بررسی و تحلیل خواهد شد.

روش تحقیق

این پژوهش با روش تحلیل تماتیک که روشی مناسب برای تحلیل داده‌های متنی است، محتوای به اشتراک گذاشته شده توسط کاربران نرم‌افزار «اتاق جوک» را در چند ماه متوالی بررسی می‌نماید. تحلیل تماتیک عبارت است از تحلیل مبتنی بر استقرا که در آن محقق از طریق طبقه‌بندی داده‌ها و الگویابی درون داده‌ای و برون داده‌ای به یک سنخ‌شناسی تحلیلی دست می‌یابد. در حقیقت تحلیل تماتیک سعی می‌کند از طریق کدگذاری داده‌ها، و تحلیل آنها مشخص کند که داده‌ها به ما چه می‌گویند. این تحلیل در پی الگویابی در داده‌هاست (محمدپور، ۱۳۹۲: ۶۶). با توجه به هدف این پژوهش که همانا اکتشاف و سپس حلاجی داده‌های متنی طنز به اشتراک گذاشته شده و طبقه و تحلیل آنهاست، این شکل رایج از تحلیل داده‌های متنی بیش از هر روشی می‌تواند در خدمت اهداف پژوهش باشد. بنابراین مرحله نمونه‌گیری ابتدا به نحو هدفمند از طریق انتخاب یک نرم‌افزار از میان مجموعه نرم‌افزارهای طنز موجود صورت پذیرفت که علت آن چند ویژگی خاص نرم‌افزار منتخب بود: نخستین ویژگی شیوه و روش به‌روزرسانی جوک‌ها در این نرم‌افزار بود که امکان بررسی روند محتواهای به اشتراک گذاشته شده را فراهم می‌کرد و همچنین فضای طنزپردازی و جوک‌گویی را متناسب با آخرین وقایع داغ شده در فضای مجازی یا واقعی (نظیر اتفاق‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی در کشور و...) رصد پذیر می‌نمود. به‌علاوه، امکان عضویت آسان و سریع از سویی و به‌اشتراک‌گذاری محتوای ارائه شده در این برنامه باعث می‌شد جوک‌ها نه محصول انتخاب یک فرد خاص که حاصل سلاقی و پایگاه‌های اجتماعی متعدد باشد؛ کسانی که فارغ از همه تفاوت‌ها در یک چیز مشترک هستند و آن توجه و علاقه نشان‌دادن به جوک‌خوانی و البته جوک‌گویی است. طبیعتاً مثل ارزیابی هر نرم‌افزار دیگری، میزان دانلود آن و امتیازی که به برنامه توسط کاربرها تعلق گرفته بود نیز اهمیت داشت و مجموع این ویژگی‌ها پژوهشگران را پس از رصد انواع نرم‌افزارها به نرم‌افزار «اتاق جوک» رساند. میزان نسبتاً قابل قبولی از دریافت توسط مخاطبان نیز بر اهمیت این نرم‌افزار می‌افزود

(+۵۰۰۰۰۰ نسخه از نرم‌افزار تنها از طریق نرم‌افزار بازار در گوشی‌های اندروید نصب شده است). جالب توجه است که نمایش عمومی جوک‌ها در برنامه بستگی به تأیید عمومی هنجارهای ارائه شده از طرف گروه نرم‌افزاری دارد. بدین ترتیب، جوک‌ها یک مرتبه از فیلتر برخی هنجارها رد می‌شوند که بیشتر در زمینه‌های قومیتی اعمال می‌گردد و نوعاً با کلماتی کلیشه‌ای شده عنوان قومیت حذف و کلمه کلیشه‌ای جایگزین می‌شود. به علاوه جوک‌های جنسی یا غیر اخلاقی صریح نیز در این فیلترینگ حذف می‌شوند. این مواجهه اگرچه از وجهی محدودیتی بر فرآیند نمونه‌گیری جوک‌ها اعمال می‌کند؛ خود افزایش بصیرتی در باب فهم عمومی از بایدها و نبایدهای جوک و جوک‌گویی است که پس از بررسی جوک‌های پذیرفته شده معنادارتر نیز می‌گردد.

در مجموع پس از انتخاب نرم‌افزار مناسب، در مرحله دوم نمونه‌گیری، ثبت و تحلیل جوک‌های به اشتراک گذاشته شده از یک مقطع زمانی آغاز شد و این کار تا رسیدن به مرحله اشباع که روند تحلیل جوک‌ها ما را به مقولات جدیدی رهنمون نمی‌شدند و تکرار مقولات شایع گردید، برای مدت چند ماه، ادامه یافت. در نهایت پس از بررسی بیش از ۵۰۰ جوک به اشتراک گذاشته شده، داده‌ها اشباع تشخیص داده شد و جریان بررسی متوقف گردید. در این روند چنان که روش کار اقتضا می‌کرد، پس از مدیریت داده‌ها، در مرحله درگیری با داده‌ها، کدگذاری باز صورت گرفت که در آن کدهای تکرار شونده شناسایی شدند. سپس در مرحله توسعه تم‌ها، با توجه به کدهای تکرار شونده کل اطلاعات مجدداً پردازش گردید. سپس کدبندی متمرکز اجرا شد که نتیجه آن در قالب سنخ‌شناسی پنج مقوله اصلی و زیرمقولات مربوطه در بخش بعد ارائه می‌شود.

یافته‌های تحقیق

پنج مقوله اصلی از میان داده‌ها استخراج شد که به ترتیب جوک‌های منفعلانه، جوک‌های مرتبط با جنسیت و سکس، جوک‌های مرتبط با مذهب، جوک‌های انتقادی و جوک‌های قومیتی هستند. هریک از این مقولات در ذیل خود ابعاد و خصایصی دارند که پس از مرور آنها به بحث در خواهند آمد. در جداول زیر، مقولات و زیر مقولات به تفکیک ارائه می‌شود:

جدول ۱. مقوله‌های استخراج شده

مقوله اصلی	زیرمقوله‌های اصلی	زیرمقوله‌های فرعی
۱. جوک‌های منفعلانه	بازی با کلمات	--
	طنز موقعیت	نوستالژی‌ها؛ کارتون‌های قدیمی؛ دیالوگ‌ها؛ کودکی؛ مدرسه و شوخی با معلم‌ها؛ ازدواج‌های سنتی؛ طنزهای مرتبط با سرویس بهداشتی.
	سرکاری‌ها	--
	خودشیفتگی‌ها	--
۲. جوک‌های مرتبط با جنسیت و سکس	روابط غیر ازدواجی و خیانت	تمسخر رفتارهای مرتبط: خرید شارژ ایرانسل؛ نوشتن شماره روی در دستشویی‌ها؛ دروغ‌گویی در روابط غیرازدواجی؛ ناپایداری روابط غیرازدواجی؛ مخفیانه بودن روابط غیرازدواجی؛ جنسی بودن روابط غیرازدواجی؛ تعدد روابط غیرازدواجی؛ اهمیت مادیات در روابط غیرازدواجی؛ عدم اعتماد در روابط غیرازدواجی.
	ازدواج	سختی ازدواج؛ زنان پرتوقع؛ بی‌شوهری؛ کثرت رواج غیرازدواجی؛ مخل ازدواج؛ غیرعقلانه بودن ازدواج؛ مصیبت دانستن ازدواج؛ نابالغ بودن فکری مردان برای ازدواج.
	روابط زنان و مردان	زن ذلیلی؛ زن دوم؛ استفاده ابزاری زنان از جاذبه‌های جنسی؛ توقعات افراطی زنان از شوهران؛ سیگار کشیدن‌های مخفیانه مردان؛ اهمیت فراوان به ماشین در مردان؛ ولخرج بودن زنان؛ اهمیت کادوی روز زن برای زنان؛ شکم‌پرستی مردان.
	تفاوت‌های دختران و پسران	رضایت تحصیلی؛ درس نخواندن پسرها؛ ناآشنایی دخترها با فضاهای مردانه؛ مکانیکی‌ها و... حساسیت‌های زنانه؛ رانندگی زنان؛ شوت بودن دختران؛ غیبت کردن دختران؛ حسادت دخترها بچه ننه بودن پسرها؛ چشم چرانی مردان؛ مهارت‌های پایین کامپیوتری زنان.
۳. جوک‌های مرتبط با مذهب	اعلام عدم تابعیت از مقدسات و دستورات شرعی	اعلام آنتیست بودن؛ اعلام سرپیچی از احکام شریعت.
	تمسخر کردن احکام دینی	تمسخر حجاب؛ تمسخر روزه‌داری.
	تمسخر آداب شرعی و عرفی مربوط به مقدسات و ادعیه	بازی با کلمات ادعیه؛ نگاه ابزاری به مناسک متشرعین؛ نذری خوردن و... تمسخر تلاش‌های اخروی متشرعین؛ تمسخر فاصله متشرعین و فرزندان‌شان.
۴. جوک‌های انتقادی مرتبط با فرد	خود انتقادی‌ها	دورویی؛ تنبلی؛ بی‌حوصلگی؛ اتلاف وقت در اینترنت اهمیت ظاهر؛ لاغری؛ فوتوشاپ عکس و عمل بینی و...؛ مقایسه گذشته و حال؛ بی‌مسئولیتی در زمان حال؛ بلوغ زودرس جنسی در کودکان، اسم‌گذاری‌های عجیب و غریب بر کودکان.

ادامه جدول ۱. مقوله‌های استخراج شده

مقوله اصلی	زیرمقوله‌های اصلی	زیرمقوله‌های فرعی
مرتبط با خانواده	روابط درون خانواده	نگاه ابزاری به والدین؛ عادی بودن خیانت؛ بازنمایی ادبیات توهین آمیز میان اعضای خانواده؛ ازدواج به عنوان فرار از محیط خانه؛ غذا درست نکردن مادرها؛ غذای حاضری؛ برخورد متفاوت با روابط غیرازدواجی؛ بی‌توجهی به پسران در خانواده؛ تمیز کردن‌های افراطی خانه توسط مادران؛ اعتیاد جوانان به موبایل مچ‌گیری اعضای خانواده؛ بی‌اعتمادی به پسرها در خانه؛ مشکوک بودن زنان به همسرانشان؛ نافرمانی زنان از مردان؛ ترس از پدر در خانواده؛ بی‌منطق بودن پدرها/ مادرها؛ سرکار گذاشتن پدران؛ تعارض ارزشی با والدین.
		تظاهر به پولداری؛ خود نخبه پنداری؛ بلوف زدن؛ ژست خودکشی؛ پیروی از قالب‌های خوش‌تیپی؛ ناخن مصنوعی؛ رستوران‌های لوکس؛ مصرف‌گرایی تازه به دوران رسیدگی؛ سفر خارج؛ تمسخر روشنفکران؛ اصطلاحات فلسفی؛ تمسخر رفتارهای زنانه در پسران.
مرتبط با جامعه	تمسخر ژست‌ها و افاده‌ها	تمسخر علم‌زدگی شریفی‌ها؛ نبود علاقه به درس خواندن؛ تمسخر بچه درس‌خوان‌ها؛ توهین به اساتید؛ عادی شدن مشروط شدن؛ ژاپنی‌ها به عنوان مظهر علم.
	مردم آزاری	مزاحمت تلفنی؛ ترساندن مردم؛ سرکار گذاشتن مردم.
	اینترنت	تاثیر فضای مجازی بر زندگی؛ اتلاف وقت در اینترنت؛ سرعت پایین اینترنت؛ روابط غیر ازدواجی/خیانت در اینترنت.
	فساد اقتصادی	قراردادهای فوتبالی؛ اختلاس؛ تورم.
	مذاکرات هسته‌ای	تمسخر محرمانه بودن؛ فضای بعد از مذاکرات؛ شوخی با ظریف؛ بهبود رابطه با امریکا؛ هزینه‌های مذاکرات؛ طولانی شدن مذاکرات؛ استفاده از وایبر در مذاکرات.
	بیان اعتراضات اجتماعی	گرانی میوه؛ گرانی بنزین؛ گرانی گوشت؛ ناعادلانه بودن قیمت‌ها؛ فیلترینگ؛ رشوه گرفتن؛ اعتراض به بیمه؛ کیفیت ماشین‌ها در ایران؛ درآمد پزشک‌ها؛ وضعیت فوتبال در ایران؛ کثرت پیامک‌های تبلیغاتی؛ بدون رفاه اجتماعی؛ حجاب اجباری.
	اختلاف طبقاتی	حسرت ماشین‌های گران قیمت؛ مازراتی، پورشه و... اهمیت وضع مالی در ازدواج؛ تفاوت در امکانات ورزشی خانه‌ها؛ گوشی آیفون؛ ابراز فقر یا گلایه از فقر.
	نقد خلیقات ایرانیان	کنجکاو؛ استفاده افراطی از موبایل؛ دختر بازی؛ فضولی؛ کتاب نخواندن؛ اظهار بدبختی و اثبات بدبخت‌تر بودن؛ سرو صدا کردن در بیمارستان؛ قانون‌گریزی؛ رانندگی‌های غیراستاندارد؛ ناراحتی از هزینه‌های چک آپ/ خسیس بودن؛ توجه کردن اشتباهات؛ سرکار گذاشتن خارجی‌ها؛ دروغ‌گویی؛ تقلید از تکیه کلام‌های بازیگران؛ رابطه بد عروس و مادر شوهر.
	تمسخر فرهنگستان	---

ادامهٔ جدول ۱. مقوله‌های استخراج شده

مقولهٔ اصلی	زیرمقوله‌های اصلی	زیرمقوله‌های فرعی
۵. جوک‌های قومیتی	تحقیر قومیت‌ها	عدم آشنایی با فضای هنجارین حاکم؛ عدم آشنایی با فناوری.
	برساخت صفت ثابت دربارهٔ قومیت‌ها	تنبلی؛ کجروی‌های جنسی و زن‌بارگی؛ خست یا منفعت طلبی؛ خنگی؛ خشن بودن.

نخستین مقوله‌ای که خود را نشان می‌دهد، «جوک‌های منفعلانه» است. جوک‌های منفعلانه در چند بخش قابل تقسیم هستند. دستهٔ اول جوک‌هایی هستند که عموماً بر محور بازی با کلمات می‌گردند. این جوک‌ها معمولاً غایت معنایی خاصی را دنبال نمی‌کنند و بیشتر با ایجاد شکست در لغات یا جملات، دستکاری‌هایی در معنا رخ می‌دهد که موجب خنده است. این مدل از طنزپردازی اختصاصی به ادبیات فارسی ندارد همچنان که اختصاصی به زمان حال ندارد. در تاریخ طنزپردازی فارسی موارد بسیاری هست که شاعر یا نویسنده یا بهره‌گیری از ایهام یا ایجاد سکنه در جمله یا کلمه‌ای، معنای متفاوتی را از آن مراد کرده و موجب خنده شده است (محمودی‌بختیاری و آدی‌بیک، ۱۳۸۸: ۱۹۰). نوع دیگر از طنزهای منفعلانه در اثر واژگونی موقعیت یا برهم‌زدن نظم موقعیت‌ها و افراد یا توجه به موقعیت‌هایی که عموماً به پشت صحنه زندگی اجتماعی مرتبط هستند نظیر دستشویی و هر آنچه به آن مرتبط است، رخ می‌دهد. وقوع یک اتفاق بامزه در یک وضعیت خاص یا بازتعریف نوستالژی‌های عموماً مرتبط با کودکی نظیر خاطرات معلم‌ها در مدارس، دیالوگ فیلم‌ها و کارتون‌ها، و... نیز در بسیاری موارد پردازش می‌شود. سرکاری‌ها دستهٔ سوم هستند که در آنها طراحی جوک با هدف فریب آنی خواننده است و فریب خوردن مایهٔ نوعی هیجان سادیسمی در فرستندهٔ جوک است. جالب این‌که این تیپ از جوک‌ها به نحو شایعی با عبارات حاوی خودشیفتگی فرستنده همراه می‌شود به نحوی که به شکل یکی از غالب‌های رایج جوک درآمده است: «... من برم سراغ اکتشافات بعدی». خودشیفتگی‌ها عمدتاً بر محور زیبایی یا جذابیت شخصیتی اغراق شدهٔ ظاهری استوار می‌شوند که خود در نسبت با کارکرد جوک‌گویی و سرمایهٔ اجتماعی‌ای که از بامزه بودن فراچنگ افراد می‌آید قرار می‌گیرد. «دلخورم..! البته جیگر و قلوه هم اگه باشه می‌خورم/ فکر کردی ناراحتتم؟؟/ نه بابا من کلا آدم شادی‌ام...!»

در یک تقسیم‌بندی کلی شاید بتوان این نوع از جوک‌ها را، جوک‌های محافظه‌کارانه‌ای قلمداد کرد. جوک‌هایی که در آن تیزی طنز به سمت فرد یا گروهی نشانه نرفته و محض

خندانن جوک را به غایت خود رسانده است. جوک‌های منفعلانه درباره فضای اجتماعی و موقعیت زمانی فعال و دارای عکس‌العمل نیستند؛ منافعی را نشانه نمی‌روند، در پی تغییر هنجار یا تثبیت حق یا اعتراضی به وضعیت نیستند و البته از سوی دیگر از موضعی مسئولانه درباره وضعیت افراد گفته نمی‌شوند. در آنها نوعی خوش‌باشی آنی هست که از ژانر جوک‌های بحث برانگیزتر فاصله زیادی دارد. همان‌طور که در جدول ۱ دیده می‌شود، در میان جوک‌های بررسی شده، مقوله جوک‌های منفعلانه مصادیق زیادی را به خود اختصاص داده است. به نظر می‌رسد تمایل جوک‌گویی به این سبک و سیاق علاوه بر تأثیری که از روندهای مد شده در جوک‌گویی‌های آنلاین می‌پذیرد، منجر به نوعی هم‌افزایی در بی‌تفاوتی نسلی و هپروت مسلکی اجتماعی در میان مخاطبان به‌ویژه جوانان و نوجوانان و فاصله‌گرفتن با ایده‌آل طنز حکیمانه خواهد شد.

مقوله بعدی، مقوله «جوک‌های مرتبط با جنسیت و سکس» است. در بسیاری از مطالعات بین‌المللی درباره جوک‌ها، این مقوله جزء مقولات اصلی است، که البته در هر فرهنگی متناسب با اقتضائات آن فرهنگ و در ترکیب با نظام هنجارین هر گروه یا طبقه فرهنگی تغییر فرم و محتوا می‌دهد. در جوک‌های مطالعه شده در این نرم‌افزار، نظام هنجاری تعریف شده مانع از به‌اشتراک‌گذاری جوک‌های جنسی بی‌پرده می‌شد. از این رو، تحلیل چنان قسمی از داده‌ها عملاً از موضوعیت خارج است، لکن این مسئله به معنای عدم پرداخت به مسائل جنسی به نحو ضمنی‌تر نبود. جهت‌گیری شوخی‌ها عموماً به روابط جنسی و حواشی آن متمایل بود. بی‌شک شوخی‌های جنسی کارکردهای مشخصی در ادوار مختلف داشته‌اند. حتی در بررسی‌هایی نشان داده شده که در سنین خاصی مثلاً نوجوانان برای ابراز وجود و اعلام بلوغ سنی از شوخی‌های جنسی استفاده می‌کنند، چنان‌که برخی در بزرگسالی به منظور کم‌کردن فاصله اجتماعی و اپوخه‌کردن نزاکت در زندگی روزمره به شوخی‌های جنسی روی می‌آورند. اما آنچه بیش از همه در میان جوک‌های بررسی شده غلبه معنایی داشت، عدول رفتارهای جنسی از حوزه خانواده و شیوع رفتارهای جنسی غیر ازدواجی بود. روابط پیشا ازدواج، روابط پس از ازدواج و در بسیاری از مواقع تطهیر خیانت به عنوان وضعیت شایع یا محتوم، یکی از رایج‌ترین مفاهیم مراد شده از طریق جوک‌های بررسی شده بود.

«سلامتی پسر موتورسواری که کلاه کاسکتش رو داد دوست دخترش سرش کنه تا.../اگه

دوست دخترای دیگش دیدن بگه مامانم بوده!!»

تحلیل تماتیک جوک‌های مبادله شده ... ۹۷...

جالب آن که به طرز متناقضی جوک‌ها در عادی‌سازی و هنجارین کردن این روابط از سویی و بازنمایی نیمه تاریک و واقعیت آن از سوی دیگر دست داشتند. به نحوی که ابعاد منفی بسیاری نظیر ناپایدار بودن روابط، غلبه ابعاد مادی و غیرعاطفی در رابطه، شیوع دروغ‌گویی در آن، تعدد آن و ... در مجموع تصویر رابطه‌ای مبتنی بر مصرف طرفین و کاملاً خارج از ایده‌آل‌های عرفی را به نمایش می‌گذاشت.

«اگه با پورشه بری به خانوما متلک بندازی می‌شی پسر با نمک!!!!!!/ اما همون متلک و با پراید بری بندازی / می‌شی بی‌شعور ایکیبری میمون عوضی خر نفهم الاغ زشت گاو بی‌شخصیت / اگه با موتور بری که فحشا ناموسی می‌شه جاش نیست بگم».

البته می‌توان گفت که قضاوت درباره روابط ازدواجی پیشاازدواج، با روابط خیانت‌گونه پس از ازدواج در این زمینه چندان تفاوتی نمی‌کرد به نحوی که یکی از تم‌های رایج تحقیر یا دست انداختن طرف رابطه در یک موقعیت عاشقانه بود. ابراز احساسات تنهایی منجر به بروز روابط پیشا ازدواجی و اعتراض به عملکرد والدین در این زمینه نیز از مفاهیم موجود در این بخش بود. همچنین برخی رفتارهای رایج به‌منظور مخفی‌کاری یا شروع یا ادامه رابطه دست‌مایه طنز می‌شد که مفهوم گسترش رسانه‌های ارتباطی در آن محوری بود. تصویر ناپایداری روابط با تصویر دیگری در جوک‌ها تکمیل می‌شد؛ رویکرد به ازدواج به‌مثابه یک اشتباه مکمل تصویر قبلی بود. بدین ترتیب، دقیقاً محوری‌ترین پایگاه اجتماعی فرد در جامعه؛ یعنی خانواده توسط جوک‌ها مین‌گذاری شده بود. سختی ازدواج، ناعاقلانه بودن، توقعات بالا، عدم آمادگی افراد برای پذیرش مسئولیت، آیات یاسی بود که در گوش افراد در غالب جوک‌های بامزه خوانده می‌شد. این مراوده با خانواده نهایتاً با اضافه شدن رابطه والدین و فرزندان کامل می‌شود که در توضیحات بعدی بدان خواهیم پرداخت.

مقوله پر سابقه جنسیت و تفاوت‌های جنسیتی نیز در این بخش به وضوح خود را نشان می‌دهد. در جوک‌ها اشارات مکرری به نقطه‌ضعف‌های زنان و مردان یا دختران و پسران در قالب نوعی گروکشی جنسیتی صورت می‌گرفت که بعضاً با اغراق و بزرگ‌نمایی مایه طنز پیدا می‌کرد. مفاهیمی نظیر شکم‌پرستی مردان یا ولخرجی زنان یا مفاهیم آشنایی مثل زن‌ذیلی، رانندگی زنان، چشم‌چرانی مردها، در کنار مفاهیمی که معاصرتر هستند نظیر پرداخت‌های انتقادی به رفتارهای زنانه مردان جوان نظیر عمل کردن بینی، توجه بیش از حد به زیبایی، استفاده از

کرم‌های آرایشی و... در این بخش ابژهٔ جوک هستند. به نظر می‌رسد در این بخش، نوعی تقسیم برابر میان جوک‌ها از پایگاه هر دو جنسیت وجود داشت و نابرابری جنسیتی یا صدای غالبی در آن دیده نمی‌شد. علاوه بر این، در مواردی هم نگاه هنجارین جامعه به وضوح با رفتارهای جنسیتی خاص تسویهٔ حساب می‌کرد؛ یعنی شکلی از کنترل اجتماعی از طریق مضحکه کردن رفتارهای ناهنجار صورت می‌گرفت. البته به نظر می‌رسد کماکان کارکرد خندانند و مفرح بودن جوک بر انسجام‌های جنسیتی حاصل از آن غلبه داشت به نحوی که در بسیاری از موارد، جوکی که در بردارندهٔ پیکار جنسیتی علیه مردان بود توسط یک مرد (یا دست‌کم نام کاربری یک مرد) به اشتراک گذاشته شده بود و بالعکس. بنابراین احتمال می‌رود که کارکرد انسجام بخشی جنسیتی یا مساوات طلبی‌های به‌ویژه خصمانه در فضای جوک‌ها از اولویت کمتری برخوردار باشد. البته نمی‌توان انکار کرد که برابری فرصت جوک‌گویی که به واسطهٔ فضای مجازی پدید آمده است، در پدید آمدن ادبیات جنسیتی هم وزن در جوک‌ها مؤثر بوده است و شاید نتوان در ادبیات طنز گذشته چنین حجمی از پرداخت طنز به رفتارهای مردانه را مشاهده کرد.

«مورد داشتیم خواهر و برادر سر لوازم آرایش دعواشون شده/ الان پسره دو روزه رفته تو اتاق

درو رو خودش بسته»

«طریقه خواستگاری کردن از دخترا .. عزیزم دیگه وقتشه به جای کیلیپس سایه یه مرد

بالای سرت باشه...»

مقولهٔ سومی که از تحلیل داده‌ها به دست آمد؛ «جوک‌های مرتبط با مذهب» بود. این دسته از جوک‌ها به دلیل ماهیت فرهنگی اعتقادی که دارند، یکی از حساسیت برانگیزترین جوک‌ها محسوب می‌شوند؛ اما جالب است که برخلاف جوک‌های مرتبط با قومیت؛ جوک‌های مذهبی توسط قواعد نرم‌افزار حذف نمی‌شوند یا دست‌کم ظاهر محترمانه‌تری به خود نمی‌گیرد. این مسئله خود قابل تحلیل است که می‌تواند نقش روان‌کنندهٔ جوک‌ها را در بازگوکردن مسائلی که به‌طور معمول بسیار حساسیت برانگیز است از سویی، و نقش مخرب جوک‌ها را در سست کردن سیستم اعتقادی جامعه از سویی دیگر نشان دهد. نکتهٔ دیگر نسبت این جوک‌ها با میزان پابندی مخاطبان به مذهب است. از طرفی می‌توان طرح چنین جوک‌هایی را نشانهٔ تزلزل اعتقادی دانست و از سوی دیگر، به گمان نویسنده، تحلیل عمیق‌تری می‌توان از آنها ارائه داد و آن این که درصد قابل ملاحظه‌ای از جوک‌ها از عبارات ادعیه یا مراسم‌ها و مناسک‌های مذهبی برای

ارائه محتوای طنز بهره برده‌اند و این خود نشان‌دهنده عمق و برد دین در زندگی روزمره مردم و دخالت دین در زبان فکر کردن ایرانیان است. درگیری انضمامی عمیق و به تدریج یکی شدن فرهنگ و دین به وضوح در جوک‌ها دیده می‌شود، به این معنا که جوک‌گفتن با ادبیات دینی یا حتی علیه دین خود متوقف بر شکل‌گیری یک بینادذهنیت پیرامون مفاهیم، آداب، تاریخ، معجزات و حتی عبارات عربی مرتبط با متن دین است. از این رو هرچند در ظاهر یک هجمه قابل ملاحظه با بازه‌ای از توهین صریح تا شوخی خفیف و بازی با کلمات در میان جوک‌های این بخش قابل ملاحظه است و ممکن است در نهایتاً منجر به افت جایگاه دین، دینداری و دینداران در میان مخاطبان شود، از آن سوی سکه این جوک‌ها که از امتزاج عمیق فرهنگ روزمره با دین خبر می‌دهد نباید غافل بود. از نگاه جزئی‌تر، مسئله‌ای که به نظر قابل توجه می‌رسد، این است که در برخی از جوک‌های ذیل این مقوله، محتوای طنز خاصی وجود ندارد و تنها مسئله‌ای که قدری صورت‌بندی طنز به خود گرفته اپوخه دینداری است. این نکته در برخی جوک‌ها جنبه بینافردی به خود گرفته و منجر به دوگانه ما و دیگری میان دینداران و غیردینداران شده و با لحن نیش‌داری متشرعین را هدف گرفته که خود می‌تواند جزء کژکارکردهای طنز باشد و منجر به طرد اجتماعی شود.

«شیخ گفت: در بهشت شراب‌هایی وجود دارد که هرچه مومنان می‌خورند مست نمی‌شوند!!!/ مریدی پرسید: پس چرا می‌خورند؟/ شیخ سر خود را خاراند، قدری با ریش‌هایش بازی کرد و سپس / گفت: تو اگه ز.. نرنی کسی نمیگه لالی...».

مقوله بعدی مقوله «جوک‌های انتقادی» است. در این مقوله جوک‌ها هر یک بخشی از عیوب یا نامالایمات را نشانه رفته‌اند. در یک تقسیم‌بندی کلی، گاهی عیب مطرح‌شده ناظر به فرد است، گاه ناظر به خانواده و گاه ناظر به جامعه و البته گاه به وضعیت داینامیک این سه ساحت می‌پردازد و تغییراتی که هر یک از این سه در شرف یا دچار آن هستند را به طنز می‌کشد و گاه به وضعیت‌های ایستای معیوب می‌پردازد و جرقه‌ای برای تغییر روشن می‌کند. جوک‌های ذیل این مقوله به جد نگاه آسیب‌شناختی دارند. طنز در مقام یک آسیب‌شناس اجتماعی، جوکی را تولید با بازتعریف می‌کند، هرچند ممکن است گاهی توجه به یک موضوع به‌مثابه عیب یا آسیب اجتماعی به نحوی به برساخت، بزرگ‌نمایی یا حتی خلق آن مسئله منجر شود و از این‌رو، این زیرمقولات هم از جهت وامی که از واقعیت می‌گیرد و هم از جهت تأثیری که بر واقعیت

می‌گذارد نیازمند توجه جامعه‌شناختی است. نخستین بخش از زیرمقوله‌ها با عنوان خودانتقادی‌ها صورت‌بندی شده که ناظر به ایراداتی است که افراد در جوک‌ها به خود، یا فرد مخاطب گرفته‌اند و در واقع اعتراف و اذعان به ثبوت آن ویژگی و منفی بودن آن است. وجه طنز در اغلب جوک‌های این‌چنینی تضاد و تناقضی است که میان تعریف جامعه از خوبی و موفقیت و موقعیت یا ویژگی فرد وجود دارد. صفاتی نظیر تنبلی یا اتلاف وقت بیمارگونه در اینترنت و ... نوعاً با طعنه به موفقیت‌های مطلوب جامعه نظیر کسب مدرک، درآمد مالی، و ... طرح می‌گردد و حتی گاهی وزنه جوک به سمت ویژگی‌های منفی و نوعی انقیاد علیه مطلوب‌های اجتماعی می‌رود تا جایی که بعضاً شکلی از بی‌نزاکتی عادی شده را ممدوح تلقی می‌کند. از بعد دیگری فراگیر شدن صفاتی که تحت فشار مطلوب‌های اجتماعی ایجاد شده نظیر داشتن ظاهر زیبا، خوش تیپ بودن و ... در ترکیب با امکان تظاهر به این ویژگی‌ها در دنیای مجازی دست‌مایه بسیاری از طنزهاست. رقابت برای زیبایی و ظاهرگرایی و مصرف‌گرایی در برخی جوک‌ها به‌عنوان ارزش مسلم فرض گرفته شده و بعضاً افرادی که در رسیدن به آن با باج گرفتن از طریق آن افراط می‌کنند موضوع جوک می‌شوند، اما تقریباً در هیچ جوکی اصل این مسئله که ظاهر اهمیت دارد یا مصرف‌گرایی نشانه شخصیت است زیر سؤال نرفته است. برخی جوک‌های این بخش نیز در قالب مقایسه گذشته و حال صورت‌بندی شده و موضوعاتی نظیر شیوع اسم‌های غیرعادی که می‌توان آن‌را ذیل موضوع ظاهرگرایی فهم کرد، یا بی‌مسئولیتی نسل جدید یا بلوغ جنسی کودکان و ... موضوع طنزها شده است. تمایز این بخش، موضع گوینده جوک است که عمدتاً با نگاهی نسلی، از پایگاهی سنتی‌تر یا ارتدکس‌تر به نقد ویژگی‌های فردی کنونی می‌پردازد و خود را در این ویژگی‌ها شریک نمی‌داند.

«چهار تا از دستاوردهای دانشگاه برای من: اس‌ام‌اس زدن بدون نگاه کردن به موبایل / خوابیدن در حالت نگاه کردن به کتاب / کار گروهی در هنگام امتحان / حرف زدن بدون تکون خوردن لب ...».

دومین بخش از زیرمقوله‌ها، رویکردی انتقادی به خانواده را ارائه می‌کند. پیش از این، در بخش جنسیت، به ابعادی از نسبت جوک‌ها و خانواده پرداختیم. اکنون روابط درون خانواده به عنوان بعد دیگری از مسئله قابل طرح است. در توصیفی که از بخشی از جوک‌ها از وضعیت خانواده صورت می‌گیرد، خانواده‌ها در یک وضعیت آنومیک و مرضی توصیف می‌شوند. این وضعیت از سویی محصول تزلزل جایگاه قدرت در خانواده و از سویی به دلیل سرپیچی اعضای

تحلیل تماتیک جوک‌های مبادله شده ... ۱۰۱...

خانواده از وظایف محوله یا افراط در اجرای آن است که هر دو حالت نشان از وضعیت بی‌هنجاری درون خانواده است. جالب این‌جاست که خود جوک‌ها به‌ویژه در راستای متزلزل کردن شخصیت پدر یا والدین فعال می‌شوند و تصویر پدر یا والدین به عنوان نماد قدرت در خانواده تصویر فردی بی‌منطق، باری به هرجهت، دارای نوسان اخلاقی، دارای رفتارهای وسواسی، مسئولیت‌گریز، مستبد و بعضاً ابله (به‌ویژه در مواجهه با علوم و فنون نوین) است که به دلیل استفاده ابزاری از او باید از در سازش و فریب با وی درآمد تا نهایتاً با بیشترین سود کمترین آسیب نصیب شود. از سوی دیگر، از موضع والدین، جوک‌ها دارای مضامینی نظیر بی‌اعتمادی به فرزندان (به‌ویژه پسران)، معجزگی از آنها و تحقیر آنهاست. با این اوصاف، طبیعتاً ادبیات محاوره میان اعضای خانواده نیز ادبیاتی خشن و توهین‌آمیز است که در مجموع تصویر تاریکی از وضعیت درون خانواده به نمایش می‌گذارد. نقش رشد ارتباطات مجازی در شکل‌گیری بسیاری از ابعاد این تصویر به‌ویژه در زمینه بی‌اعتمادی یا مسئولیت‌گریزی اعضای خانواده در جوک‌ها مهم ارزیابی می‌شود. همچنین تفاهم یا تعارض ارزشی میان والدین و فرزندان به‌ویژه در زمینه روابط پیشازدواجی آنها در برخی جوک‌ها محوریت می‌یابد. در مجموع، هرچند اغراق از عناصر اصلی طنز به شمار می‌آید و تصویر اغراق شده اغلب خنده‌آور است، در زمینه وضعیت خانواده جوک‌ها حتی با زدودن نسبی وجه اغراق‌آمیزشان شرایط آنومیک را تصویر می‌کنند. شرایطی که در آن نظم پیشین - پدرسالاری یا والدین‌سالاری - به کلی بی‌اعتبار شده، اما فرزندسالاری نیز لزوماً جایگزین آن نگشته است و این بی‌سالارشدن عملاً خانواده را به واگرایی، عدم انسجام و تکه‌تکه شدن ارتباط اعضا کشانده است. در بهترین حالت، روابط مسالمت‌آمیزی بر مبنای روابط مادی برقرار شده که در آن عنصر عاطفه و هویت‌بخشی تقریباً حذف شده است. هرچند در جوک‌های مورد بررسی چندان شایع نبود، لکن به‌وجود آمدن قالبی برای جوک‌گویی با عنوان «فک و فامیله داریم...» عملاً جوک‌ها را به سمت انتقاد یا سرکوب خانواده اعم از هسته‌ای یا گسترده کشاند که خود می‌تواند به نحو مفصل‌تر موضوع پژوهشی جدا باشد.

«پاسخ منطقی اکثر والدین ایرانی در مقابل اجازه‌گرفتن فرزندشان برای انجام کاری: / اگه قبلاً کسی این کار رو انجام نداده باشه: / آخه تا حالا کی همچین غلطی کرده که تو دومیش باشی / اگه قبلاً کسی این کار رو انجام داده باشه: هر کی هر غلطی کرد تو هم باید بکنی؟؟؟»
 «بابام هر وقت می‌خواد بیاد تو اتاقم با یه شدت عجیبی در رو باز می‌کنه! همین روزاست که اول گاز اشک آور قل بده تو بعد با پاش بزنه درو بشکونه بیاد.....!!!!!!»

سومین زیر مقولهٔ جوک‌های انتقادی یعنی جوک‌های انتقادی مرتبط با جامعه، عملاً مفصل‌ترین بخش از جوک‌ها را به خود اختصاص می‌دهد. به نحو سنتی جایگاه طنز در تاریخ ادبیات فارسی و نقش‌های مرتبط با آن نظیر ملیجک‌ها، دلک‌ها، تلخک‌ها، حاجی فیروزها و... عمدتاً موید غلبه این نقش یعنی نگاه انتقادی طنز به جامعه است (مطهری‌نژاد، ۱۳۸۹: ۵۷). اما این که در برهه‌های مختلف تاریخی تیزی این انتقادات طنزآلود متوجه چه موضوعات و ساختارهایی بوده‌است، قابل بررسی از نگاهی تاریخی - تطبیقی در پژوهشی جداگانه است. بی‌تردید در هر برهه‌ای در جامعه، وقایعی در حوزهٔ اجتماعی - سیاسی رخ می‌دهد که دست‌مایهٔ طنزهای نقد روز می‌شوند. جوک‌های مورد بررسی نیز از این سنت مستثنی نبودند. مسائلی نظیر مذاکرات هسته‌ای و حواشی آن، اختلاس و فساد اقتصادی و برخی اعتراضات اجتماعی ناظر به گرانی، خدمات بیمه‌ای، کیفیت ماشین‌های تولید داخل، اتفاق‌های فوتبالی، کثرت پیامک‌های تبلیغاتی و ... مواردی بود که - با درجات متفاوتی از اهمیت - محوریت طنز را به خود اختصاص می‌داد. به گمان نگارنده، این نوع از جوک‌ها به دلیل نقش روزآمدی که در ساخت واقعیت اجتماعی دارند از اهمیت بالایی در سنجش فضای اجتماعی، تنش زدایی یا حتی پیش‌بینی روندهای محتمل‌الوقوع در آینده برخوردارند.

«جمله‌ای که تا کنون می‌شنیدیم: تحریم‌ها باید رفع شود تا مشکلات کشور حل شود/ جمله‌ای که بعدش می‌شنویم: توقع نداشته باشید با رفع تحریم‌ها مشکلات کشور حل شود!!».

دستهٔ دیگری از جوک‌ها ناظر به نقدهای ساختاری یا نقد کارآمدی سیستم اجتماعی است. نقد وضعیت علمی کشور به‌ویژه وضعیت دانشگاه‌ها، کنایه به فرهنگستان، اعتراض به اختلافات طبقاتی و مانور تجمل به‌ویژه از طریق ماشین‌های گران قیمت یا گوشی‌های آیفون، رشوه‌گیری، اعتراض به سیستم بانکی، اعتراض به سرعت پایین اینترنت و... مواردی از این تیپ رویکرد انتقادی است. دستهٔ سوم جوک‌های این زیرمقوله سطح خردتری را موضع طنز می‌نماید و سطح خلقیات اجتماعی، ادا و اطوارها و ژست‌ها و افاده‌ها، رفتارهای بین فردی در جامعه و موضوعات این‌چنینی محل توجه این قسمت از جوک‌ها است. بازنمایی طنزآلود ارتقاپلبی‌ها و برتری طلبی‌ها در اقصای مختلف اجتماعی در این بخش دستمایهٔ طنز است؛ بازی‌ها و ژست‌های زنانه نظیر کلیس‌های بزرگ یا لاک‌های ناخن، نخوت یا مصرف‌گرایی قشر مرفه و تظاهرات آن مثل رفتن به رستوران‌های گران قیمت یا سفرهای خارجی، رفتارهای زنانه در پسران که در راستای

تحلیل تماتیک جوک‌های مبادله شده ... ۱۰۳...

زنانه زیبا شدن اجرا می‌شود نظیر برداشتن ابرو و...، در بعد علمی ادا و اطوارها و خودشیفتگی‌های روشنفکران با اصطلاحات دهان‌پرکن فلسفی یا نخبگان (یا در حقیقت خودنخبه‌پندارها) با ژست هرز رفتن استعدادهایشان و حتی ادای افسردگی و میل به خودکشی همگی از موارد این طعنه‌های هوشمندانه است. خلیقات اجتماعی عمومی نیز در این بخش به تصویر در می‌آید. اموری نظیر بی‌توجهی ایرانیان به قانون، کنجکاوی‌های بی‌مورد، رانندگی‌های غیراستاندارد، سطح پایین مطالعه، دروغ‌گویی، توجیه کردن اشتباهات، اظهار بدبختی کردن، رابطه بد عروس و مادرشوهر و ... از این دست است که از باب توجهات جذاب انسان‌شناسانه به رویه‌های رفتاری ایرانیان قابل تحسین و بررسی است.

«مله چیست؟؟؟/ آیا ابزاری برای گج‌کاری و بنایی است؟؟؟/ خیر...!!!/ تلفن جواب دادن منشی‌های ایرانیه با دماغ عمل کرده».

گاهی نیز در سطح رفتارهای بین فردی روایت رفتارهای سادیسمی؛ انواع مردم‌آزاری‌ها و ... که صورت کلیشه‌ای آن مزاحم تلفنی است مایه طنز می‌شود. رفتاری که شاید به جهت شکست نزاکت روزمره و خروج از نظم معمول جذاب می‌شود. در این حیطة، یکی از رفتارهای پرتکرار محصول اپوخة وضعیت شاگرد و استادی بود. جوک‌هایی که در آن گوینده جوک با سرکار گذاشتن یا توهین به استاد در نقش قهرمان، انتقام ملالت‌بار بودن تمام سال‌های تحصیلی را از معلم یا استاد می‌گیرد به تنوع و تکرار موجود بودند؛ تمی که با تحقیر دانشجویان درس‌خوان که بعضاً با برند دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف معرفی می‌شدند از سویی و رفتارهای بزه‌گونه علمی نظیر تقلب تکمیل می‌شد. جالب اینجا بود که در روایت جوک‌ها از وضعیت علم، ژاپن در بسیاری از جوک‌ها به عنوان یک قطب علمی بازنمایی می‌شد که خود قابل تأمل است.

با نگاهی کلی به جوک‌های این بخش، به نظر می‌رسد نخستین مسئله اجتماعی مورد التفات جوک‌ها با فاصله زیاد از سایر مسائل، اقتصاد کشور است. در حقیقت، جوک‌ها در میان مثلث تورم - فساد اقتصادی - فاصله طبقاتی بازنمایی قابل اعتنایی از وضعیت اقتصادی کشور دارند، مانند شوخی با کاهش قدرت خرید، شوخی با زندگی مفسدان اقتصادی، ربط دادن اختلاس به عرضه‌داشتن، گلایه از فقر یا تخیل تجملات پیش چشم (با کلید واژه پورشه) و ... این جوک‌ها هرچند ممکن است نقش تخلیه فشار را به‌طور مقطعی ایفا کنند، بی‌تردید از بازتولید پیوسته احساس فقر در اثر مانور تجمل و مصرف‌گرایی طبقه مرفه جامعه حکایت دارند. از سوی دیگر،

به نظر می‌رسد این جوک‌ها به نحوی منجر به شکل‌گیری یک انسجام اجتماعی و شکلی از سمپاتی توأم با شوخی در میان طبقه متوسط یا پایین شده که در قالب شوخی با نمادهای «بسیار» پولدار بودن ابراز می‌شود. هرچند این انسجام وقتی در کنار خوانش ماجرای اختلاس و سایر فسادهای اقتصادی قرار می‌گیرد و دزدی کلان را حاصل ذکاوت و عرضه تلقی می‌کند، می‌تواند نوعی هرزگی در رفتار اقتصادی عمومی ایجاد کند که در آن رشوه‌ده و رشوه‌گیر هردو سود برده‌اند.

آخرین مقوله متمایز شده در تحلیل جوک‌ها، طنازی با محوریت «قومیت‌ها» است. این مقوله در تمامی جوک‌های جهان فرسوده شده و مکرر در مکرر متناسب با پهنه جغرافیایی و زمانه سیاسی استفاده شده است. در جوک‌های بررسی شده، قواعد حاکم بر نرم‌افزار سخت‌گیری قابل ملاحظه‌ای درباره جوک‌های قومیتی ابراز می‌کرد و این امر باعث ود هیچ جوکی ناظر به قومیتی مشخص درج و ثبت نگردد. اما چنان که پیش از این هم گفته شد، با جایگزین کردن کلماتی کلیشه به جای قومیت نظیر خنگول، غضنفر، حیف نون و ... عملاً چرخه جوک‌های قومیتی با قواعد نرم‌افزار هماهنگ می‌شوند. در اغلب این جوک‌ها مفهوم اساسی خنگی و بلاهت و پرت‌بودن فرد مورد نظر است. هرچند در برخی مواقع معدود نام قومیت یا شهر ذکر می‌شود و صفت منفی نسبت داده شده به آن قومیت حذف به قرینه معنوی می‌گردد که نهایتاً تفاوتی در اصل ماجرا ندارد. نظیر بسیاری از جوک‌های قومیتی که غایت آن نظم بخشی و به انقیاد درآوردن رفتار قومیت مغلوب تحت نظام قومیت غالب است، در جوک‌های نه چندان زیاد قومیتی این مجموعه نیز مواردی از این قبیل دیده می‌شود؛ نظیر زمانی که ناآشنایی با فناوری‌های شهری نظیر عابربانک و ... موضوع تمسخر می‌گردد. نکته دیگر، صعه صدر بالاتر برخی قومیت‌ها درباره ابژه شدن در جوک‌هاست که موجب شده جوک‌های قومیتی مجموعه به سمت آنها سرازیر شود نظیر: جوک‌های مرتبط با شیرازی‌ها که در آن تم تنبلی و خونسردی زیاده از حد نوعاً دست‌مایه شوخی است.

«حیف نون با هواپیما سفر می‌کرد، در حال پرواز مسافر بغلی‌اش رفت دستشویی / وقتی برگشت دید حیف نون داره غذاشو می‌خوره / یارو گفت: چرا داری غذای منو می‌خوری؟ حیف نون: فک کردم پیاده شدی.»

آخرین نکته‌ای که در این بخش قابل ذکر است پیرامون لحن مورد استفاده جوک‌هاست. حدوداً یک پنجم از جوک‌های مورد بررسی از لحن رکیک یا بعضاً کلمات رکیک در ارائه طنز استفاده نموده‌اند. این مسئله با توجه به ضریب حاصل از قوانین نرم‌افزار قابل درک و تفسیر

تحلیل تماتیک جوک‌های مبادله شده ... ۱۰۵...

است. باید به این مسئله پرداخت که چرا رکیک بودن بخشی از بانمک بودن قلمداد می‌شود. در واقع، اگر از منظری خرد به فرایند طنزگویی بنگریم، به تعلیق درآوردن بسیاری از اصول زندگی روزمره همواره دست‌مایه طنزپردازی است. اساساً طنز از این منظر نوعی استراحت نشاط‌آور تلقی می‌شود که در اثر خلاصی از چارچوب‌ها و نظم‌های از پیش موجود در حیات اجتماعی به‌وجود می‌آید. در کردن خستگی التزام به آداب و قواعد رفتار اجتماعی، رعایت نزاکت، سلسله مراتب قدرت، معیارهای موفقیت و کسب اعتبار و... بیش از هر راهی از طریق طنز ممکن می‌شود، اما این خطر نیز وجود دارد که این تعلیق بیش از حد طولانی شود و در حقیقت جایگزین وضعیت به تعلیق درآمده شده، نظم جدیدی را بر کنش اجتماعی حاکم گرداند. از سوی دیگر این خطر طنز و طنزپردازی را نیز تهدید می‌کند، از این حیث که دست‌مایه خنده، نه بر بستر این تعلیق بلکه خود این تعلیق باشد و بدین ترتیب افول کیفیت خلاقانه طنز نقش نشاطبخشی آن را عملاً بزدايد و محتوای طنز به دیالوگی رکیک یا حرمت شکنی‌های دل‌خوش‌کنک تقلیل دهد.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف استخراج و تحلیل مفاهیمی که به واسطه جوک‌های آنلاین در حال مبادله هستند، پس از بررسی رویکردهای جامعه‌شناسی طنز و مروری بر پژوهش‌های صورت گرفته ذیل هر یک از رویکردها، از طریق تحلیل جوک‌ها در یکی از نرم‌افزارهای پرمخاطب موبایل، پنج مقوله کلان جوک‌ها را از یکدیگر متمایز نموده و هریک را با زیرمقولات استخراج شده به تفصیل توصیف و شرح داده است.

چنان‌که به تفصیل بیان شد، جوک‌ها - به‌ویژه با بهره‌مندی از پویایی یافت‌شده در فرم‌های رسانه‌ای جدید - پیام‌ها و مفاهیم شایسته‌التفاتی را به اشتراک می‌گذارند. مفاهیمی که می‌توانند به واسطه خوشایندی حاصل از طنز نفوذ دوچندانی داشته‌باشند. درعین‌حال، جوک‌ها خود آینه‌ای در برابر جامعه و نمایان‌گر تصویری از وضعیت اجتماعی معاصر هستند. با تفسیر جوک‌هاست که می‌توان شیوع «جوک‌های منفعلانه» را زنگ هشدار برای شیوع بی‌تفاوتی اجتماعی قلمداد کرد و رشد شکلی از «صوفی‌مسلمکی» اجتماعی را ملاحظه کرد، چیزی که در سایر مطالعات صورت‌گرفته در این حوزه توجه نشده‌است. همچنین در حوزه خانواده، جوک‌ها به روشنی دربردارنده بصیرت‌هایی از روند تغییرات این نهاد اساسی اجتماع و نیمه تاریک وضعیت آشفته

درون خانواده‌ها هستند. بی‌قدرت شدن خانواده‌ها که به وضوح در جوک‌ها تصویر می‌شد - چه بپذیریم که تصویری واقعی از وضعیت موجود است، چه صورتی فانتزی و اغراق شده و متناسب با فرم طنز گویی قلمدادش کنیم - در هر دو حال هشداردهنده است. نکته بسیار مهم دیگر رفتار طنزگویی افراد و اشتیاق فراوان فرهنگ عمومی به اپوخه کردن نزاکت اجتماعی است، که در سایر پژوهش‌ها تحت عنوان عبور از فرهنگ رسمی دیده شده است (همایون، یوسفی و امینی هرنیدی، ۲۰۱۶: ۹۶). این مسئله هرچند تا حدی در همه دنیا با ذات طنز عجین گشته و حتی وجوه نظری آن در همین مقاله مرور شده است، در حوزه‌هایی به نظر نوظهور است و بیشتر جوک‌ها را به ابزاری برای انتقام‌گیری یا سرکوب برخی مواضع اجتماعی تبدیل کرده است. در این زمینه، به‌ویژه جوک‌هایی که با هدف تحقیر معلمان یا اساتید مطرح می‌شد، نوعی خشم اجتماعی را علیه نظام آموزشی در سطوح مختلف بازنمایی می‌نمود که به نظر شایسته توجه است. در تحقیقات مشابه، به بازنمایی زنان یا قومیت‌ها در طنزهای رسانه‌ای اعم از رسانه‌های تصویری، مکتوب، و مجازی پرداخته شده است (عطاردی، ۱۳۹۱: ۴۰)، اما به نظر می‌رسد بازنمایی‌های نهادی نیز می‌تواند در این زمینه پژوهش شود و بازنمایی نهادهای اساسی نظیر دولت، خانواده، دانشگاه و ... قابل تأمل به نظر می‌رسد.

موضوعات داغ شده در طنزها نیز از وجوه قابل تأمل طنزها هستند. ژانر طنزهای مسئولانه در قبال حوادث اجتماعی مختلف - نظیر اختلاس‌ها، انتخابات‌ها، حوادث سیاسی مانند برجام، گرانی‌ها، حتی کیفیت سریال‌ها و ... - دائماً در حال اعلام موضع است. اعلام موضعی که بی‌تردید در درازمدت، فهمی اجتماعی از حوادث را غالب می‌کند. نکته مهم در قبال این ژانر از طنز گویی به نظر تنها این نیست که نظیر برخی موارد منجر به شکل گرفتن جنبشی اجتماعی مثل نخریدن ماشین ایرانی و ... می‌شود، بلکه از آن مهم‌تر، این است که این جوک‌ها به تدریج منطق تحلیلی خاصی را برای اذهان عمومی بدیهی و رایج می‌کنند. جوک‌ها قابلیت آن را دارند که به نحو ناخودآگاه جریان و ریتم فکر کردن افراد را کنترل کنند و رواج‌دهنده یک خلق اجتماعی باشند، که این مسئله باز هم بر اهمیت مطالعات طنز می‌افزاید، چراکه می‌توان طنز را به‌عنوان یک مربی اجتماعی در برنامه‌سازی‌ها و سیاست‌گذاری‌های فرهنگی استفاده کرد (کیبیری و حکیم‌آرا، ۱۳۹۳: ۸۸).

نتایج این پژوهش بیانگر آن است که اجرای مطالعات طنز در چارچوب‌های زمانی و پژوهشی منظم می‌تواند - نظیر سرشماری‌های آماری - نوعی سرشماری فرهنگ عامه به حساب آید که روند تغییرات آن به‌عنوان منبعی روزآمد نقاط شایان توجهی را برای پژوهشگران و سیاست‌گذاران منکشف خواهد نمود.

منابع و مأخذ

- جعفری، محمد (۱۳۸۵). سیر تحول یک لطیفه از قرن چهارم تا دوره مشروطیت. **فصلنامه فرهنگ مردم**، شماره ۱: ۶۸-۷۱.
- طالبیان، یحیی (۱۳۸۸). ویژگی‌های زبان طنز و مطایبه در کاریکلماتورها (با تکیه بر کاریکلماتورهای پرویز شاپور). **فصلنامه فنون ادبی**، شماره ۱: ۱۳-۴۰.
- عطاردی، الهه (۱۳۹۱). بازنمایی تصویر زنان در برنامه‌های طنز. **فصلنامه مطالعات سبک زندگی**، شماره ۱: ۳۷-۵۴.
- فرقانی، محمدمهدی (۱۳۹۵). بازنمایی زن در جوک‌های جنسیتی تحلیل گفتمان انتقادی جوک‌های جنسیتی در مورد زنان در شبکه‌های موبایلی. **فصلنامه مطالعات فرهنگ - ارتباطات**، شماره ۳۳: ۳۱-۵۲.
- کبیری، زهرا و محمدعلی حکیم‌آرا (۱۳۹۳). اثرگذاری تبلیغات تلویزیونی با جاذبه پیام طنز و ترس بر نگرش جوانان نسبت به رعایت قوانین رانندگی. **فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی**، شماره ۲۱: ۸۱-۹۸.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۲). **روش تحقیق کیفی ضدروش ۲**. تهران: جامعه‌شناسان.
- محمودی‌بختباری، بهروز، آرزو آدی‌بیک (۱۳۸۸). تلفن همراه به‌عنوان رسانه مکتوب: مطالعه‌ای گفتمانی از متون طنز پیام کوتاه فارسی. **فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی**، شماره ۴: ۱۷۵-۱۹۸.
- مطهری‌نژاد، میرزابابا (۱۳۸۹). تلخک: کارگزار روابط عمومی در قصر. **روابط عمومی**، شماره ۷۳: ۵۶-۶۰.
- همایون، محمدهادی؛ سیدجواد یوسفی و رضا امینی‌هرندی (۱۳۹۴). دلایل و انگیزه حضور مخاطبان در تئاترهای طنز و عامه پسند سطح شهر تهران: رویکردی مردم‌نگارانه. **فصلنامه مطالعات فرهنگ - ارتباطات**، شماره ۳۱: ۱۰۴-۸۳.
- Abedinifard, Mostafa (2015). *Humour and Gender Hegemony: The Panoptical Role of Ridicule vis-à-vis Gender*. University of Alberta.
- Beard, F. K. (2005). *One hundred years of humor in American advertising*. Journal of Macromarketing, 25(1), 54-65.
- Chen, Khin Wee (2013). *The Singapore Mass Rapid Transport: A case study of the efficacy of a democratised political humour landscape in a critical engagement in the public sphere*. The European Journal of Humour Research, 1(2), 43-68.
- Fine, Gary Alan (1983). *Sociological Approaches to the Study of Humor Handbook of Humor Resaerch*. Berlin: Springer.
- Goldstein, L (1990). *The linguistic interest of verbal humor*. International Journal of Humor Research, 37-52.
- Hofmann, Jennifer (2015). *Individual Differences in Gelotophobia Predict Responses to Joy and Contempt*. SAGE Open, 1-12.
- James, Aju Basil (2015). *Humour as resistance: Disaster humour in post-9/11 United States*. The European Journal of Humour Research, 2(3), 28-41.
- Kuipers, Giseline (2002). *Media culture and Internet disaster jokes bin Laden and the attack on the World Trade Center*. European Journal of Cultural Studies, 5(4), 450-470.

- Kuipers, Giseline (2006). *The social construction of digital danger: debating, defusing and inflating the moral dangers of online humor and pornography in the Netherlands and the United States*. *New Media & Society*, 8(3), 379-400.
- Kuipers, Giseline (2008). *The sociology of humor The Primer of Humor Research*, Berlin: Mouton de Gruyter.
- LaMarre, H. L., & Walther, W (2013). *Ability matters: Testing the differential effects of political news and late-night political comedy on cognitive responses and the role of ability in micro-level opinion formation*. *International Journal of Public Opinion*.
- Lipsman, Andrew, Adam, Lella (2014). *The U.S. Mobile App Report*. [www.comscore.com. https://www.comscore.com/Insights/Presentations-and-Whitepapers/2014/The-US-Mobile-App-Report](http://www.comscore.com/Insights/Presentations-and-Whitepapers/2014/The-US-Mobile-App-Report)
- Martin, R. A., & Lefcourt, H. M (2004). *Sense of humor and physical health: Theoretical issues, recent findings, and future directions*. *Humor*, 17(1/2), 1-20.
- Morreall, John (1986). *The philosophy of laughter and humor*. New York State University of New York Press.
- Schutz, Charles E (1989). The sociability of ethnic jokes.
- Shifman, Limor, Coleman, Stephen, Ward, Stephen (2007). *Only joking? Online humour in the 2005 UK general election*. *Information, Community and Society*, 10(4), 465-487.
- Shifman, Limor, Katz, Elihu (2005). "Just call me Adonai": A case study of ethnic humor and immigrant assimilation. *American Sociological Review*, 70(5), 843-859.
- Stetz, Margaret D. (2015). *The "Transatlantic" and Late Nineteenth-Century American Women's Humor*. *Studies in American Humor*, 1(1), 1-19.
- Sullivan, Ros Kaye (2014). "No harm done": Teachers' humorous talk about children's safety. *The European Journal of Humour Research*, 2(1), 19-30.
- Tan, Amil Kusain Jr Perez, Metsälä, Eija, Hannula, Leena (2014). *Benefits and barriers of clown care: A qualitative phenomenographical study of Parents with children in clown care services*. *The European Journal of Humour Research*, 2(2), 1-10.
- Weaver, Simon (2013). *A rhetorical discourse analysis of online anti-Muslim and anti-Semitic jokes*. *Ethnic and Racial Studies*, 36(3), 483-499.
- Zijderveld, Anton C (1995). *Humor, laughter, and sociological theory*. Paper presented at the Sociological Forum.